

سورة الاحقاف



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات شاهرود

دانشکده ی علوم انسانی گروه روانشناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی (M.A)

گرایش: عمومی

عنوان:

بررسی مقایسه ی هوش معنوی و تاب آوری در دانش آموزان تیزهوش و عادی

استاد راهنما:

دکتر پرویز شریفی درآمدی

استاد مشاور:

دکتر علی اسماعیلی

نگارش:

زهرا ولیان

زمستان ۱۳۹۳

تعهدنامه اصالت رساله پایان نامه

اینجانب زهرا ولیان دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته/دکتری حرفه‌ای/دکتری تخصصی در رشته روانشناسی عمومی که در تاریخ ۹۳/۱۰/۱۸

از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی مقایسه‌ی هوش معنوی و تاب آوری در دانش آموزان تیزهوش و عادی

با کسب نمره ۱۸/۵ و درجه بسیار خوب دفاع نموده‌ام بدین وسیله متعهد می‌شوم:

- ۱) این پایان نامه/رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده‌ام. مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده‌ام.
- ۲) این پایان نامه/رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی‌ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی

امضاء و تاریخ

تقدیم به

گاہ من بودم دلیل زخم تو

لیک می نالم هنوز از اشک تو

شاهزادہ تمام زندگی من

عاشقانہ تقدیم به تو باد

پدرم

سپاس نامه :

اکنون که با عنایت خرد لایتناهی نگارش این پژوهش را به پایان رسانده ام

لازم است تا از همه کسانی که همراهیم نمودند سپاسگزاری کنم:

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر پرویز شریفی در آمدی که با درایت ودقت

نظر و توان علمی خود در پر بار شدن این پژوهش تلاش نمودند

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر علی اسماعیلی که خاضعانه و صمیمانه ما را

پذیرفتند

محبت و راهنمایی های این سروران را قدر می نهم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱- مقدمه ۲
- ۱-۲- بیان مساله ۴
- ۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق ۷
- ۱-۴- اهداف پژوهش ۹
- ۱-۵- سئوال های پژوهش ۹
- ۱-۶- فرضیه های پژوهش ۹
- ۱-۷- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها: ۱۰
- ۱-۸- معرفی انواع متغیرهای پژوهش ۱۰

فصل دوم: پیشینه پژوهش

- ۲-۱- مقدمه ۱۲
- ۲-۲- معنای معنوی و اصطلاحی معنویت: ۱۳
- ۲-۳- همپوشی بین معنویت و مذهب: ۱۳
- ۲-۴- اعتیاد معنوی: ۱۴
- ۲-۴-۱ دیدگاه روان کاوی نسبت به معنویت: ۱۵
- ۲-۴-۲ دیدگاه رفتار گرایی شناختی نسبت به معنویت: ۱۶
- ۲-۴-۳ دیدگاه روان شناسی فرافردي نسبت به معنویت: ۱۷

- ۱۷-۳-۲-۴ رویکردهای التقاطی و یکپارچه:..... ۱۷
- ۱۷-۴-۲-۴ دیدگاه الکنیز درباره معنویت:..... ۱۷
- ۱۸-۵-۲-۴ دیدگاه انسان گرایی نسبت به معنویت:..... ۱۸
- ۲۰-۵-۲-۵ تاریخچه هوش معنوی:..... ۲۰
- ۲۱-۵-۲-۱ مقایسه هوش معنوی با هوش های دیگر:..... ۲۱
- ۲۳-۶-۲-۲ اجزاء هوش معنوی:..... ۲۳
- ۲۶-۶-۲-۱ دیدگاه فرید من و مک دونالد:..... ۲۶
- ۲۷-۶-۲-۲ دیدگاه ایمونز:..... ۲۷
- ۲۹-۶-۲-۳ دیدگاه نوبل و واگان:..... ۲۹
- ۳۰-۶-۲-۴ دیدگاه مک مولن:..... ۳۰
- ۳۰-۶-۲-۵ مشخصات هوش معنوی از دیدگاه بروس لیچفیلد:..... ۳۰
- ۳۲-۷-۲-۲ مدل هوش معنوی ساغرونی:..... ۳۲
- ۳۳-۸-۲-۲ تفاوت فرد دارای هوش معنوی و افراد دیگر..... ۳۳
- ۳۴-۹-۲-۲ فرد بدون هوش معنوی:..... ۳۴
- ۳۴-۱۰-۲-۲ افراد با هوش معنوی:..... ۳۴
- ۳۵-۱۱-۲-۲ اسلام و معنویت:..... ۳۵
- ۳۸-۱۲-۲-۲ مؤلفه‌های هوش معنوی در اسلام:..... ۳۸
- ۴۰-۱۳-۲-۲ تمرین های هوش معنوی:..... ۴۰
- ۴۴-۱۴-۲-۲ شرایط یک زندگی معنوی:..... ۴۴
- ۴۷-۱۵-۲-۲ نتایج کاربرد عملی هوش معنوی در محیط زندگی:..... ۴۷
- ۴۷-۱۵-۲-۱ رشد هوش معنوی:..... ۴۷

- ۴۹..... ۲-۱۶ تاریخچه مطالعات سخت رویی و تاب آوری
- ۵۰..... ۱-۲-۱۶ سخت رویی و تاب آوری:
- ۵۱..... ۲-۲-۱۶ مشخصه عمومی افراد سخت رو:
- ۵۲..... ۳-۲-۱۶ سخت رویی و سبکهای مقابله ای:
- ۵۲..... ۴-۲-۱۶ مدل مفهومی ارتباط سخت رویی؛ استرس و سلامتی
- ۵۴..... ۲-۱۷ تحقیقات انجام شده در داخل و خارج کشور

فصل سوم: روش پژوهش

- ۵۷..... ۳-۱ طرح پژوهش
- ۵۷..... ۳-۲ جامعه آماری
- ۵۷..... ۳-۳-۳ حجم نمونه
- ۵۹..... ۳-۴ ابزارهای اندازه گیری و اعتبار و روایی آن ها:
- ۵۹..... ۱-۳-۴ پرسشنامه هوش معنوی (ISIS):
- ۶۰..... ۲-۳-۴ اعتبار و روایی پرسشنامه هوش معنوی (ISIS):
- ۶۱..... ۳-۳-۴ روش نمره گذاری
- ۶۳..... ۴-۳-۴ مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسون (CD-RISC):
- ۶۳..... ۵-۳-۴ نحوه اجرای تحقیق
- ۶۴..... ۶-۳-۴ روش های تجزیه و تحلیل آماری
- ۶۵..... ۳-۵ آزمون توزیع نرمال داده ها:

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

- ۶۷..... ۴-۱ مقدمه:

۴-۲ آمار توصیفی ۶۷

۴-۳ آزمون نرمال بودن داده‌ها ۶۸

۴-۴ معرفی آزمون‌های مورد استفاده در تحقیق ۷۰

فصل پنجم: نتیجه‌گیری پژوهش

۵-۱ مقدمه ۷۴

۵-۲ نتیجه‌گیری ۷۶

۵-۳ محدودیت‌ها: ۷۹

5-4 پیشنهادها 80

۱-۵-4 کاربردی: 80

۲-۵-4 پژوهشی: 81

منابع

فهرست منابع فارسی ۸۳

Reference ۸۷

پیوست‌ها ۹۳

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۳-۱ کدگذاری سوالات پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت	۶۱
جدول ۳-۲ نمره گذاری سوالات پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت	۶۲
جدول ۴-۱ نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق	۶۸
جدول ۴-۲ نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق	۶۹
جدول ۴-۳ نتایج آزمون تی مستقل فرضیه اول (مقایسه هوش معنوی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی).	۷۱
جدول ۴-۴ نتایج آزمون تی مستقل فرضیه دوم (مقایسه هوش معنوی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی)	۷۲

فهرست نمودار

صفحه

عنوان

نمودار ۱-۴ نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق ۶۸

چکیده:

هدف از تحقیق حاضر مقایسه ی هوش معنوی با تاب آوری در دانش آموزان تیز هوش و عادی دختران در مقطع پیش دانشگاهی شهرستان شاهرود بود. جامعه آماری این پژوهش عبارت بود از تمام دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوره دوم عادی و تیز هوش که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در حال تحصیل بودند . با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس , تعداد ۷۰ دانش آموز دختر (۳۵ نفر تیز هوش ، ۳۵ نفر عادی) از مقطع متوسطه دوره دوم انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه هوش معنوی (آمرام) و تاب آوری (کأثر و دیویدسون، ۲۰۰۳) بود. نتایج پژوهش نشان دادند تفاوت معنی داری بین هوش معنوی و میزان تاب آوری در دانش آموزان تیزهوش و عادی وجود داشت ($p < 0.00$). مقایسه دو گروه مورد بررسی نشان داد , هوش معنوی در دانش آموزان تیزهوش از قدرت تبیین کنندگی بالاتری نسبت به دانش آموزان عادی برخوردار بود. بنابراین ، می توان بیان کرد که به منظور افزایش هوش معنوی و تاب آوری در دانش آموزان عادی تمهیدات بیشتری باید اتخاذ گردد.

واژه های کلیدی: هوش معنوی، تاب آوری، دانش آموزان تیزهوش و عادی.

فصل اول :

کلیات پژوهش

۱- مقدمه

زندگی اجتماعی قرن حاضر پر از فراز و نشیب است. علاوه بر مسایل پیش پا افتاده و کوچک در زندگی روزمره، گاه با مسایلی مواجه می شویم که نیاز به شیوه های مقابله ای قوی تری دارند، مانند ازدواج زودولود، مرگ ومیر، بیماری که هر کدام از این ها مستلزم تغییراتی در زندگی فردی می باشد. هر یک از تغییرات یک عامل فشار زا است که به فرد استرس وارد می کند. استرس ها چه شدید باشند چه خفیف واکنش های روانی و عاطفی را در فرد ایجاد می کنند و به صورت عصبانیت، خشم، اضطراب، افسردگی متجلی می شوند (بنی هاشم، ۱۳۸۸)

شیوه های مقابله افراد با شرایط و موقعیت های استرس زا متفاوت است. یکی از خصایصی که توان مقاومت درونی افراد را در برابر استرس افزایش می دهند و از بروز پیام های استرس و بیمار شدن و افسردگی جلوگیری می کند، سخت رویی می باشد که یکی از ویژگی های شخصیتی تعدیل کننده ای است که همه افراد درجاتی از آن را برخوردارند و بر تلاش های رفتاری - شناختی (روش های مقابله) فرد برای حذف، کاهش یا مهار عامل استرس زا یا پیامد های هیجانی ناخوشایند تاثیر می گذارد. (کوباسا^۱، ۱۹۷۹)

از طرفی توانایی های همانند رشد و بالندگی عزت نفس و اعتماد به نفس، ایجاد خودکار آمدی، شایستگی، خود شکوفایی، بهبود سبکهای مقابله، تاب آوری، حمایت های اجتماعی و جو مناسب مادی و معنوی از جمله عوامل هستند که شرایطی مناسبی برای کسب سلامت مردان فراهم می آورند. (ولف^۲، ۱۹۹۵) و دیگر ویژگی موثر از این امکانات بالقوه، باعث هدایت روانشناسان مثبت گرا بسوی شناسایی سازه و شیوه که بهزیستی و شادکامی

¹ Kkobasa

² Wolf

را برای انسان به ارمغان می آورد و توانایی که سبب سازگاری بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی می گردد و بنیادی ترین سازه مورد پژوهش در این رویکرد را تشکیل می دهد (صحرا گرد، ۱۳۸۶) و مفهوم مورد نظر روانشناسان مثبت گرا همان تاب آوری نام دارد و این مفهوم در مورد کودکان مطرح است که با وجود زندگی در شرایط بسیار سخت، افرادی توانا و سازگار بار می آیند (گارمزی^۱، ۱۹۸۳، ویز، ۱۹۸۷).

چندین سال است که هوش معنوی و هیجانی به طور گسترده، موضوع پایان نامه های مختلف قرار گرفته است و در سالهای پایانی قرن بیستم ارتباط آنها با متغیرهای فراوانی به اثبات رسیده است. توصیف انواع مختلف هوش طرح مفیدی برای تفاوت هوش معنوی از انواع دیگر هوشها فراهم می کند (ویلبر^۲، ۱۹۹۵)

هوش معنوی کمک می کند که یک شخص بتواند سرچشمه ی پنهان عشق و شادی را که هر روزه به سوی استرس و اضطراب زندگی می رود پیدا کند (کشمیری و عرب احمدی، ۱۳۸۶)

فرد با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، خود آگاهی و ظرفیت برای روبرو شدن با دشواریها، سختیها می باشد و ظرفیتی برای الهام، شهود، نگرش کل نگر به جهان هستی، جستجوی پاسخ برای پرسش بنای زندگی، نقد سنتها و آداب و رسوم پیدا می کند. از زمانهای قدیم، معنویت جزء لازمی از زندگی انسانها بوده و هر کس استعداد توسعه ی هوش معنوی را داشته است. زیرا هر کس توانایی حس، تفکر، شهود و احساس را دارد (واگان^۳، ۱۹۷۹).

در واقع هوش معنوی یکی از جنبه های کاربردی برای مفهوم معنویت است و استفاده از تواناییها و منابع معنوی است بطوریکه افراد بتوانند تصمیمات معناداری اتخاذ کنند (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۴)

در حالیکه بعضی از مردم موضوع معنویت را نادیده می گیرند، دیگران سعی می کنند حساسیت معنوی را توسعه دهند زیرا مردم هم اکنون به تنوع گسترده ای از آموزه های معنوی دسترسی دارند و رسیدن به آن، نیاز

¹ Garmiz_Viz

² vilber

³ Vaughan

به انتخاب عاقلانه و اجتناب از بعضی اغفال‌های فریبنده‌ی خطاهای حسی - معنوی دارد (واگان^۱ و همکاران ۱۹۸۷).

۱-۲- بیان مساله

مساله هوش^۲ به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی که تفاوت فردی را در بین انسان‌ها موجب می‌شود از ابتدای تاریخ مکتوب زندگی بشر مورد توجه بوده است اما از آغاز مطالعه هوش، غالباً بر جنبه‌های شناختی آن نظیر حافظه، حل مساله و تفکر تاکید شده است در حالی که امروزه نه تنها جنبه‌های غیر شناختی هوش یعنی توانایی‌های عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه در پیش‌بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری نیز مورد اهمیت واقع شده است (ونک و لاو^۳، ۲۰۰۳). اهمیت معنویت^۴ و رشد معنوی در انسان در چند دهه اخیر به صورتی روز افزون توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روانشناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌های و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری یابند، به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان به ابعاد جانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند و بعد چهارم یعنی معنویت را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌سازد.

بیشترین تحقیقات انجام شده در حوزه روانشناسی دین، تحقیقات مربوط به رابطه دین و معنویت با سلامت روان است. در این مطالعات رابطه مثبت بین باورهای دینی و معنویت با سلامت روان رابطه مثبت یافت شده است، رجایی و بیاضی و حبیبی پور ۱۳۸۷؛ پارگامنت و ساندرز، ۲۰۰۷؛ کونینگ و پرز^۵، ۲۰۰۰؛ مارتینز^۶ و واسمیت^۷

^۱ Vaughan

^۲ Intelligence

^۳ -Wong & Law

^۴ -Spirituality

^۵ -Perez

^۶ -Martines

واسمیت^۱ وبارلو^۲، ۲۰۰۷؛ هاج^۳، ۲۰۰۶، ریچاردز^۴ و برگین^۵، ۲۰۰۵؛ شفرنسکی، ۲۰۰۱؛ کول، ۲۰۰۵؛ وست، ۲۰۰۰ (به نقل از رجائی، ۱۳۸۹).

زورهار^۶ و مارشال^۷ (۲۰۰۳، نقل از رجائی، ۱۳۸۹) سه نوع هوش عقلانی^۸، هیجانی^۹ و معنوی^{۱۰} را ذکر کرده اند. آن ها مشخصات افرادی که دارای هوش معنوی هستند را اینگونه ذکر کرده اند: این افراد انعطاف پذیرند، درجه بالایی از از هوشیاری نسبت به خویشان دارند، توانایی برای رویارویی با مشکلات و درد ها و چیره شدن بر آن ها را دارند، همچنین الهام از ارزشها و بصیرت، اجتناب از فکربد کردن نسبت به دیگران، تفکر وحدت گرا، جستجو برای پاسخ دادن به سوالات اساسی، عدم وابستگی به دیگران و مقاومت در برابر شیوه ها و سنت های معمول جامعه از ویژگی آنهاست. مک هاوک معتقد است ماهیت غیر اختصاصی و کل نگر هوش معنوی، ادراک فرد را گسترش می دهد و آن را عمق می بخشد، این امر به غنی سازی روابط و بهبود کار روزمره کمک می کند علاوه بر این حرکت به سمت خود شکوفایی و رشد معنوی بیشتر به هوش معنوی مربوط می شود تا نیاز به کنترل خود و پابندی آیین و رسوم بودن. به نظر می رسد افرادی که هوش معنوی یکپارچه دارند، ممکن است زندگی متفاوتی داشته باشند (نازل^{۱۱}، ۲۰۰۴). از زمان های قدیم، معنویت جز لازم از زندگی انسان بوده است و هر کس استعداد توسعه هوش معنوی را دارد. زیرا هر کس توانایی حس، تفکر، شهود و احساس را دارد (واگان^{۱۲}، ۱۹۷۹).

هوش معنوی کمک می کند یک شخص بتواند سرچشمه پنهان عشق و شادی را که هرروزه به سوی استرس و اضطراب زندگی می رود، پیدا کند (کشمیری و عرب احمدی، ۱۳۸۶).

^۱-Smith
^۲-Barlow
^۳-Hage
^۴-Richards
^۵-Bergin
^۶-Zohar
^۷-Marshall
^۸-Rational
^۹-Emotional
^{۱۰}-Spiritual
^{۱۱}- Nasel
^{۱۲}-Vaughan

مفهوم هوش معنوی در بر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مساله است که بالاترین سطوح رشد در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی را شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با دیده های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می نماید. این هوش دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می دهد و او را قادر می سازد چارچوب بندی و تعبیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد.

مقوله دیگر که در اوایل قرن حاضر با ظهور مکتب روانشناسی مثبت گرا توسط سلیگمنو همکارانش همراه بود که اهداف عمده این مکتب، شامل کمک به افراد دارای شخصیت سالم و کمک به شکوفاسازی قابلیت های انسانی بود. یکی از مسائل مطرح در روانشناسی مثبت (تاب آوری) است. تاب آوری ظرفیت روبرو شدن، غلبه کردن و حتی قویتر شدن به وسیله تجربه مشکلات یا آسیبها است. در فرایند تاب آوری دو شرط مهم وجود دارد.

افراد با تهدیدهای مهم یا سختیهای روبرو می شوند، با وجود سختیها و مشکلات مهم به سازگاری مثبت دست یافته و پیشرفت می کنند. (راتر ۱۹۹۹) تاب آوری را شامل تعامل میان عوامل خطرزا و عوامل محافظتی می داند.

عوامل خطر به هر شرایط یارویدادی که به پیامدی ناسازگار منجر شود اطلاق می گردد، اما شرایط اجتماعی اقتصادی پایین، آسیبهای اجتماعی گسترده یا طلاق والدین معمولاً به عنوان عوامل خطر شناخته شده است. عوامل محافظتی نیز به هر رویداد یا شرایطی که فرد را در عوامل "خصوصیات شخصیتی"، "عوامل خانوادگی"

و "حمایت اجتماعی" معمولاً به عنوان عوامل محافظتی شناخته می شوند ماسن ورید، آنها دو رویکرد موثر در تاب آوری را مطرح کردند.

رویکرد متمرکز بر متغیر این رویکرد به بررسی عوامل خطر و عوامل فردی و خانوادگی و محیطی می پردازد و شامل مدل های جمع پذیر، تعاملی و غیر مستقیم می باشد.

رویکرد متمرکز بر شخص این رویکرد سعی در شناسایی افراد تاب آور و برر سی اینکه چه چیزی منجر به تاب آوری بیشتر در آنان می شود می باشد.

افراد تاب آورسازگاری فردی بالایی با عوامل استرس زای محیطی در زندگیشان دارند. شایستگی یا سازگاری انسان ترکیب تعامل میان زمینه بوم شناختی و رشد ارگانیزم است. با این وجود، تاب آوری ماهیتی چندگانه دارد بنابراین ممکن است فرد در یک بعد تاب آور باشد، اما در ابعاد دیگر ت اباوری نداشته باشددر یک مطالعه که به وسیله ی کافمن و همکارانش بر روی کودکان با تاب آوری تحصی لی بالا که سابقه ی مواجهه با سوء رفتار را داشته اند، نشان می دهد که تنها درصدی از آنها تاب آوری اجتماعی نشان دادند تاب آوری از مشکلات روانشناختی در جوانان و نوجوانان پیشگیری می کند و از آنها در برابر تأثیرات روانشناختی حوادث مشکل زا محافظت می کندفرآیند تاب آوری در حقیقت جزء فرآیند زندگی است و این مهارت از منابع درون فردی است و می تواند سطوح استرس و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل نموده و اثرات منفی استرس را کم رنگ جلوه دهد. از این رو با مساله اصلی تحقیق حاضر مقایسه هوش معنوی و تاب آوری در دانش آموزان تیزهوش و عادی است.

۳-۱۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

هوش معنوی مجموعه ای از قابلیت های سازگارانۀ ذهنی است که بر اساس جنبه های غیرمادی و متعالی واقعیت قرار گرفته، به خصوص آن جنبه هایی که مرتبط با طبیعت وجودی فرد، معنی سازی فردی، تعالی و حالات مبسوط هوشیاری است و این فرایندها نقشی سازگارانۀ در تسهیل معنی سازی فردی، حل مسالۀ، استدلال انتزاعی، و مقابله دارند (کینگ، ۲۰۰۸).

هوش معنوی در زندگی نیز وجود دارد اما موانع ممکن است که جلوی رشد و شکوفایی آن را بگیرد. یکی از موانعی که بر سر راه توسعه هوش معنوی وجود دارد این است که، متأسفانه تاکنون چنین آموخته شده که ما تمایل داریم هوش معنوی را تصادفاً بیاموزیم و حتی در سطحی کم عمق.

اغلب آموخته ایم که باور کنیم موجودات فیزیکی و مادی هستیم و در نتیجۀ طبیعتاً معتقد می شویم که امنیت زندگی ما بر اساس اجزای مادی و فیزیکی مثل پول و ثروت و دارایی و ... است که به شغل ما بستگی دارد. در واقع این مجموعه ذهنی و مادی احساس ناامنی ایجاد می کند چنان که هر شخص می داند که شغل و ثروت و پول می آید و می رود و ما کنترل اندکی بر آنها داریم و این ناامنی ترس را تعمیم می دهد و موجب استرس می شود که بر روابط در محل کار تاثیرگذار است. توسعه هوشیاری معنوی آگاهی عمیق از مجموعه استعدادهای جدا نشدنی است.

هوش معنوی به ما کمک می کند که افراد با تغییر، در ذهن خود مبارزه کنند منظور این است که وقتی ترس از تغییر ایجاد می شود در واقع این ترس از ذهن خودمان سرچشمه می گیرد و نه از تغییر محیط و ترس ایجاد شده از نفس و خود ماست و این عمیق ترین سطحی است که در هوشمندی معنوی دیده می شود. یک زندگی متعادل مستلزم این است که نه تنها نیازهای جسمی، احساسی و ذهنی خود را برآورد کنیم، بلکه احتیاجات روحی و معنوی خود را نیز در نظر داشته باشیم و این هدف رشد معنوی است. (عشقی، ۱۳۸۸).

یکی از طولانی ترین مطالعات تاب آوری بر روی بچه های پر خطر در جزیره هاوایی در سال ۱۹۹۵ توسط ورنر آغاز شد و سی سال به طول انجامید و از ۷۰۰ کودک در این مطالعه ۲۰۱ نفر در معرض خطراتی مثل

¹ King